

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به:

او که می آید

و همگان را به

عشق و محبت الهی

فراخوان می دهد.

## تقدیر و تشکر

- در به سرانجام رسیدن این پژوهش، عزیزانی مددکار اینجانب بوده اند که جا دارد به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از همه ی آنان، فروتنانه سپاسگزار باشم؛ به ویژه از:
- استاد عزیز عرفانی ام، جناب آقای دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی که اثر حاضر، در واقع حاصل راهنمایی های ارزشمند ایشان است.
- استاد فرزانه ی فلسفی ام، جناب آقای دکتر مهدی زمانی که راهنمای دیگر نگارنده در این اثر بودند.
- همسر مهربانم که اگر نبود محبت های سرشار او در سفر پر پیچ و خم زندگی، هیچ گاه این اثر به سرانجام نمی رسید.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	چکیده
۱۱	مقدمه
۱۲	موضوع پژوهش
۱۲	طرح پژوهش
۱۳	روش و ابزار پژوهش
۱۳	سابقه و ضرورت پژوهش
۱۴	انگیزه و هدف از این پژوهش و طرح سؤالات اصلی
۱۵	۱- ماهیت عشق و محبت
۱۶	۱-۱ تعریف «عشق» از منظر لغوی
۱۷	۲-۱ تعریف «عشق» از منظر بزرگان حکمت و فلسفه و عرفان
۲۳	۲- پیشینه و سیر تاریخی «عشق و محبت»
۲۴	۱-۲ نگرش سروری «عقل» و خدمتگذاری «عشق» در تاریخ فلسفه ی غرب
۲۴	۲-۲ دیدگاه افلاطون حکیم به پدیده ی «عشق»
۲۵	۳-۲ «عشق» در فلسفه ی نوافلاطونی
۲۷	۴-۲ «عشق و محبت» در مکاتب و فلسفه های سنتی مشرق زمین
۲۷	۱-۴-۲ فلسفه ی هندو
۲۸	۲-۴-۲ فلسفه ی جاینی
۲۹	۳-۴-۲ آیین بودا
۳۰	۵-۲ دیدگاه های فلسفی معاصر در هندوستان
۳۰	۱-۵-۲ فلسفه ی تاگور
۳۰	۲-۵-۲ دیدگاه عرفانی اوشو
۳۱	۳-۵-۲ اندیشه های ساتیا سائی بابا
۳۱	۶-۲ دیدگاه های فلسفی چین
۳۲	۱-۶-۲ آیین کنفوسیوس
۳۲	۲-۶-۲ موتسه

عنوان	صفحه
۲-۶-۳ تائو	۳۲
۲-۷ اندیشه های فلسفی ژاپن	۳۳
۲-۸ فرهنگ «عشق و محبت» در فلسفه ی ایران زمین	۳۴
۲-۸-۱ «عشق» در مکتب فلسفه ی مشاء ابن سینا	۳۴
۲-۸-۲ «عشق» در تصوّف عاشقانه ی شیخ احمد غزالی	۳۵
۲-۸-۳ «عشق» در مکتب فلسفه ی اشراق سهروردی	۳۵
۲-۸-۴ «عشق» در حکمت متعالیه ی ملّا صدرا	۳۶
۲-۸-۵ «عشق» در حکمای صدرایی معاصر	۳۶
۲-۹ ردّ پای «عشق» در آثار بزرگان	۳۷
۳- تقسیمات گوناگون «عشق»	۳۸
۳-۱ تقسیمات متعدّد واژه ی «عشق»	۳۹
۳-۱-۱ عشق بهیمی	۳۹
۳-۱-۲ عشق مجازی	۳۹
۳-۱-۳ عشق نطقی	۴۰
۳-۱-۴ عشق معنوی	۴۰
۳-۱-۵ عشق عقیف	۴۰
۳-۱-۶ عشق وضعی	۴۰
۳-۱-۷ عشق الهی	۴۰
۳-۱-۸ عشق غریزی	۴۱
۳-۱-۹ عشق جسمانی	۴۱
۳-۱-۱۰ عشق ظاهری	۴۱
۳-۱-۱۱ عشق عقلی	۴۱
۳-۱-۱۲ عشق نفسانی	۴۱
۳-۱-۱۳ عشق حیوانی	۴۱
۳-۱-۱۴ عشق افلاطونی	۴۲
۳-۱-۱۵ عشق روحانی	۴۲
۳-۱-۱۶ عشق خدا	۴۲
۳-۱-۱۷ عشق طبعی	۴۲
۳-۱-۱۸ عشق اکبر	۴۲
۳-۱-۱۹ عشق اوسط	۴۳
۳-۱-۲۰ عشق اصغر	۴۳

- ۴- ره یافت های عمومی «عشق و محبت» در حوزه ی اخلاق ..... ۴۴
- ۴-۱ رفع غلظت و ایجاد لطافت در روح عاشق ..... ۴۵
- ۴-۲ تولید قدرت و استقامت در روح عاشق ..... ۴۵
- ۴-۳ توسعه ی وجودی و از بین بردن خودخواهی و خودبینی ..... ۴۶
- ۴-۴ وحدت قوا و تمرکز نیرو در عاشق ..... ۴۶
- ۴-۵ ایجاد سخاوت و چالاکی در عاشق ..... ۴۶
- ۴-۶ غفلت از عیوب معشوق و زیبا جلوه دادن آنها ..... ۴۷
- ۵- جایگاه «عشق و محبت» در عرفان اسلامی ..... ۴۸
- ۵-۱ عشق و عرفان ..... ۴۹
- ۵-۱-۱ «عشق» در آفرینش جهان ..... ۵۰
- ۵-۱-۲ «عشق» در بازگشت و معاد ..... ۵۳
- ۵-۱-۳ «عشق» در پرستش ..... ۵۳
- ۵-۱-۴ تأثیر «عشق» و موضوع «وحدت وجود» در اخلاق اجتماعی عرفا ..... ۵۴
- ۶- واژه ی «عشق و محبت» در قرآن و منابع دینی ..... ۵۷
- ۶-۱ «عشق و محبت الهی» در قرآن ..... ۵۸
- ۶-۱-۱ شاهد اول: آیه ی ۵۴، سوره ی مبارکه ی مائده ..... ۵۸
- ۶-۱-۲ شاهد دوم: آیه ی ۱۶۵، سوره ی مبارکه ی بقره ..... ۵۹
- ۶-۱-۳ شاهد سوم: آیه ی ۳۱، سوره ی مبارکه ی آل عمران ..... ۵۹
- ۶-۱-۴ شاهد چهارم: آیه ی ۷۶، سوره ی مبارکه ی انعام ..... ۵۹
- ۶-۱-۵ شاهد پنجم: آیه ی ۴۸، سوره ی مبارکه ی نساء ..... ۶۱
- ۶-۱-۶ شاهد ششم: آیه ی ۳۰، سوره ی مبارکه ی یوسف ..... ۶۱
- ۶-۱-۷ شاهد هفتم: آیه ی ۸، سوره ی مبارکه ی مزمل ..... ۶۲
- ۶-۲ «عشق و محبت الهی» در دعاها، احادیث و روایات معصومین (علیهم السلام) ..... ۶۳
- ۶-۲-۱ شاهد اول ..... ۶۳
- ۶-۲-۲ شاهد دوم ..... ۶۳
- ۶-۲-۳ شاهد سوم ..... ۶۳
- ۶-۲-۴ شاهد چهارم ..... ۶۴
- ۶-۲-۵ شاهد پنجم ..... ۶۴
- ۶-۲-۶ شاهد ششم ..... ۶۴
- ۶-۲-۷ شاهد هفتم ..... ۶۵

عنوان	صفحه
۶-۲-۸ شاهد هشتم .....	۶۵
۶-۲-۹ شاهد نهم .....	۶۵
۶-۲-۱۰ شاهد دهم .....	۶۶
۶-۲-۱۱ شاهد یازدهم .....	۶۶
۶-۲-۱۲ شاهد دوازدهم .....	۶۶
۶-۲-۱۳ شاهد سیزدهم .....	۶۶
۶-۲-۱۴ شاهد چهاردهم .....	۶۷
۶-۲-۱۵ شاهد پانزدهم .....	۶۷
۷- آثار و پیامدهای «عشق و محبت الهی» .....	۶۹
۷-۱ محبت به جلوه های حق .....	۷۰
۷-۲ تلطیف روان و دریافت اسرار هستی .....	۷۱
۷-۳ خداخواهی، نه خودخواهی .....	۷۲
۷-۴ تحمل سختی ها و آسان شدن کارها .....	۷۳
۷-۵ اشتیاق به خلوت با حضرت حق .....	۷۳
۷-۶ اشتیاق به لقاء الله و مرگ .....	۷۴
۸- ویژگی های «عشق و محبت الهی» .....	۷۶
۸-۱ «عشق» آموختنی نیست، بلکه موهبتی خدایی است .....	۷۷
۸-۲ عشق و محبت الهی، بالاترین لذت ها .....	۷۷
۸-۳ برتر بودن عشق و محبت از قیل و قال .....	۷۸
۸-۴ سریان «عشق» در موجودات عالم .....	۷۹
۸-۵ توأم بودن «عشق» با بلاها و خطرها .....	۸۰
۸-۶ فطری بودن «عشق» در انسان ها .....	۸۱
۸-۷ مقابله ی «عقل و عشق» و برتری نیروی عشق بر عقل .....	۸۲
۹- طریق تحصیل «عشق و محبت الهی» .....	۸۵
۹-۱ زهد و عدم وابستگی به دنیا .....	۸۶
۹-۲ نفی خودپرستی .....	۸۷
۹-۳ معرفت حق .....	۸۸
۹-۴ خارج کردن محبت غیر خدا از دل .....	۸۸
۹-۵ تداوم یاد حق .....	۸۹

عنوان	صفحه
۱۰- جهان بینی عاشقانه و ارتباط آن با اخلاق .....	۹۱
۱۰-۱ انواع جهان بینی ها .....	۹۲
۱۰-۲ تبیین جهان بینی عاشقانه .....	۹۲
۱۰-۲-۱ تجلیات حضرت حق .....	۹۳
۱۰-۳ عاشقان ربّانی، فرزندان جامعه بشری .....	۹۵
۱۰-۴ رابطه ی معرفت و محبت .....	۹۶
۱۰-۵ لذت محبت حضرت حق و امتیاز آن با سایر بهره وری های حسی .....	۹۶
۱۰-۶ مکارم اخلاق در پرتو «عشق الهی» از منظر ابن سینا .....	۹۸
۱۰-۷ کرامت نفس و بزرگواری انسان عارف، از منظر ابن سینا .....	۹۹
۱۱- مراحل رشد و شکل گیری «عشق و محبت الهی» در انسان .....	۱۰۰
۱۱-۱ عشق به خود .....	۱۰۱
۱۱-۲ عشق به دیگری .....	۱۰۱
۱۱-۲-۱ عشق به اطرافیان و وابستگان .....	۱۰۲
۱۱-۲-۲ عشق به دوستان .....	۱۰۲
۱۱-۲-۳ عشق به بزرگسالان مرتبط .....	۱۰۲
۱۱-۲-۴ عشق به جنس مخالف .....	۱۰۲
۱۱-۲-۵ عشق به فرزند .....	۱۰۲
۱۱-۳ عشق به همنوع .....	۱۰۳
۱۱-۴ عشق به مخلوقات و کاینات .....	۱۰۳
۱۱-۵ عشق الهی .....	۱۰۴
۱۲- ابن سینا و پدیده ی «عشق» .....	۱۰۵
۱۲-۱ بیوگرافی بوعلی سینا .....	۱۰۶
۱۲-۲ آثار مکتوب بوعلی سینا .....	۱۰۶
۱۲-۳ ابن سینا، بزرگترین شارح فلسفه ی مشاء ارسطویی .....	۱۰۷
۱۲-۴ فلسفه ی خواص ابن سینا .....	۱۰۷
۱۲-۵ عشق مجازی و حقیقی از منظر ابن سینا .....	۱۰۸
۱۲-۶ ویژگی های عشق مجازی حیوانی .....	۱۰۸
۱۲-۶-۱ تقویت خودپرستی .....	۱۰۹
۱۲-۶-۲ اسارت باطنی .....	۱۰۹
۱۲-۶-۳ بی ثباتی .....	۱۰۹

عنوان	صفحه
۱۲-۶-۴ جنایت زا	۱۰۹
۱۲-۷ تبدیل عشق مجازی به عشق حقیقی	۱۱۰
۱۲-۸ چگونگی تأثیر عشق عقیف در تلطیف سرّ در بیان ابن سینا و سایر بزرگان	۱۱۰
۱۲-۹ طریقیّت یا موضوعیّت عشق مجازی نفسانی	۱۱۳
۱۲-۱۰ عشق مجازی کانال ورودی به عشق مجازی	۱۱۴
۱۲-۱۱ حکمت صدرایی و عشق مجازی	۱۱۴
۱۲-۱۲ نکات مهم در زمینه ی عشق مجازی	۱۱۵
<b>۱۳-۱ احمد غزالی و پدیده ی «عشق»</b>	۱۱۷
۱۳-۱ بیوگرافی شیخ احمد غزالی	۱۱۸
۱۳-۲ بررسی اجمالی مصنّفات شیخ احمد غزالی	۱۱۹
۱۳-۲-۱ بحر الحقیقة	۱۱۹
۱۳-۲-۲ رساله الطیور یا داستان مرغان	۱۱۹
۱۳-۲-۳ رساله ی عینیّه	۱۲۰
۱۳-۲-۴ نامه های شیخ احمد غزالی به عین القضات	۱۲۰
۱۳-۲-۵ رساله ی وصیّت	۱۲۰
۱۳-۲-۶ سوانح العشاق	۱۲۰
۱۳-۳ مریدان و تربیت یافتگان مکتب احمد غزالی	۱۲۲
۱۳-۴ مراحل ادراک «عشق» در عرفان اسلامی	۱۲۲
۱۳-۵ ادراک «عشق» از منظر احمد غزالی	۱۲۴
۱۳-۶ صوفیان اولیه و عشق الهی	۱۲۶
۱۳-۷ عقاید جنجال برانگیز شیخ احمد غزالی	۱۲۸
۱۳-۸ عشق مجازی و پرستش جمال از نظر اهل تصوّف	۱۲۸
۱۳-۹ ذو مراتب بودن «عشق» در ادبیات عرفانی شرق و غرب و مکتب احمد غزالی	۱۲۹
۱۳-۱۰ نقبی به نظریات ابن سینا در باب «عشق»	۱۳۰
۱۳-۱۱ عشق مجازی از منظر شیخ احمد غزالی	۱۳۱
۱۳-۱۲ مفهوم «عشق» در سوانح العشاق شیخ احمد غزالی	۱۳۲
۱۳-۱۲-۱ مقدمه ی سوانح	۱۳۲
۱۳-۱۲-۲ فصل ۱ سوانح	۱۳۳
۱۳-۱۲-۳ فصل ۳-۶۸ سوانح	۱۳۵
۱۳-۱۲-۴ اسرار «عشق» در حروف عشق	۱۳۶
۱۳-۱۳ نتیجه گیری از پژوهش	۱۳۷



صفحه

عنوان

۱۴۰	فهرست ها
۱۴۱	فهرست آیات و کلمات قرآنی
۱۴۲	فهرست احادیث و ادعیه و عبارات عربی
۱۴۴	فهرست نام کسان
۱۴۹	فهرست اشعار
۱۵۸	فهرست منابع و مأخذ
۱۶۳	چکیده ی انگلیسی

## چکیده

«عشق و محبت الهی در اخلاق اسلامی با تأکید بر آرای ابن سینا و احمد غزالی» عنوان پژوهشی است که شامل مقدمه و ۱۳ فصل به شرح ذیل تدوین شده است:

در فصل اول، درباره‌ی ماهیت عشق و محبت سخن به میان آورده ایم و سپس از منظر بزرگان حکمت و فلسفه و عرفان، معنای لغوی و اصطلاحی آن را مورد بررسی قرار داده ایم.

در فصل دوم، به پیشینه و سیر تاریخی موضوع «عشق و محبت» توجه نشان داده ایم و جایگاه عشق و محبت را در مکاتب و ادیان مغرب زمین و مشرق زمین و سرزمین ایران مشخص کرده ایم.

در فصل سوم تقسیمات «عشق» را که در ترکیب های متفاوت وصفی و اضافی به کار گرفته شده است، مورد تعریف قرار داده ایم و حد اشتراک و افتراق هر یک از آنها را روشن نموده ایم.

در فصل چهارم، به رهیافت های عمومی «عشق و محبت» در حوزه ی اخلاق همت گماشته ایم که چگونه «عشق» موجب تغییر نگرش در وجود عاشق می شود و او را به سمت مشابهت و مشاکلت با معشوق سوق می دهد.

و از آنجا که مجاهدت های سالک طریق حق، بر محور عشق و محبت الهی می چرخد، شایسته دیدیم که به جایگاه «عشق و محبت» در عرفان اسلامی نیز توجهی داشته باشیم و لذا در فصل پنجم به تبیین «عشق» و جایگاه آن در عرفان اسلامی نظری انداخته ایم.

در فصل ششم، که به نوعی مهم ترین فصل این پژوهش محسوب می شود، واژه ی «عشق و محبت» را در قرآن و منابع دینی مورد کنکاش و جستجو قرار دادیم و در حدود ۷ شاهد از کلام الله مجید و بیش از ۱۵ شاهد از سایر منابع اسلامی به دست آمد.

در فصل هفتم، به آثار و پیامد های «عشق و محبت الهی» نظر داشته ایم که چگونه «عشق به حضرت حق» آثار و پیامدهای مثبت و سازنده ای را در وجود عاشق تولید می کند و او را به سمت تعالی و تقرب الی الله هدایت می نماید.

در فصل هشتم، «ویژگی های عشق و محبت الهی» مورد بررسی قرار گرفته است که از چه جنسی است و رابطه ی آن با نیروی خرد و عقل چیست و آیا هر کسی قابلیت دریافت این هدیه ی الهی را دارد یا نه؟

حال برای تحصیل «عشق و محبت الهی» چه طریقی را باید سپری کرد تا بتوان پرنده ی عشق الهی را صید نمود؟ که به این سؤال در فصل نهم پاسخ داده شده است.

در فصل دهم، به انواع جهان بینی ها اشاره شده و ضمن تبیین جهان بینی عاشقانه، ارتباط آن با اخلاق، خصوصاً از منظر ابن سینا نیز بیان شده است.

در فصل یازدهم، مراحل رشد و شکل گیری عشق در انسان توضیح داده شده است که چگونه این روند تکاملی «عشق» از «عشق به خود» شروع می شود و تا «عشق الهی» ادامه پیدا می کند.

و در فصل دوازدهم و سیزدهم نیز به طور اجمال پدیده ی «عشق» را در آثار ابن سینا، و شیخ احمد غزالی مورد کنکاش قرار داده ایم که هر یک از چه منظری به این مهم نظر داشته اند و در آخر ماحصل این پژوهش را در نتیجه گیری این نوشتار آورده ایم.

## ترویج مکتب «عشق و محبت»، بهترین مُصلِحِ نَفْس

عشق، دریایی است عمیق و قلّه ای است رفیع، که دست یابی به عمق و بلندی آن، کار آسانی نیست و نگارنده ی این سطور خود را کم تر از آن می داند که بخواهد در این وادی قلم فرسایی کند.

ولی به اجمال باید عرض شود که تهذیب نَفْس و راه های رسیدن به آن، دغدغه ای اساسی در مسائل اخلاقی و حتّی عرفانی است؛ بدین معنا که در اخلاق، تحت عنوان غایت، و در عرفان تحت عنوان مقدمه و شرط لازم، مباحث فراوانی درباره ی آن مطرح شده است. از جمله راه های تهذیب نفس و پالایش آن از آلودگی های ظلمانی، ایجاد رابطه ای عاشقانه بین مرید و مراد است که این خود مدخلیت تام در تحوّل اخلاقی انسان دارد، چرا که به قول مولانا: «آن نَفْس که شد عاشق، اَمّاره نخواهد شد»<sup>۱</sup>. شهید مطهری به استناد به کلام اهل عرفان، می نویسد:

«کاملی را پیدا کن و رشته ی محبت و ارادت او را به گردن دل بیاویز که از راه عقل و استدلال، هم بی خطرتر است و هم سریع تر. در مقام مقایسه، این دو وسیله، مانند وسایل دستی قدیم و وسایل ماشینی می باشند. تأثیر نیروی محبت و ارادت در زایل کردن رذایل اخلاقی از دل، از قبیل تأثیر مواد شیمیایی بر روی فلزات است؛ مثلاً یک کلیشه ساز با تیزاب، اطراف حروف را از بین می برد، نه با ناخن و یا سر چاقو و یا چیزی از این قبیل؛ اما تأثیر نیروی عقل در اصلاح مفاسد اخلاقی، مانند کسی است که بخواهد ذرات آهن را از خاک با دست جدا کند. چه قدر رنج و زحمت دارد؟

اما اگر یک آهن ربای قوی در دست داشته باشد، ممکن است با یک گردش همه ی ذرات را جدا کند. نیروی ارادت و محبت مانند آهن ربا صفات رذیله را جمع می کند و دور می ریزد. به عقیده ی اهل عرفان، محبت و ارادت پاکان و کَمَلین هم چون دستگاه خودکاری، خود به خود رذایل را جمع می کند و بیرون می ریزد. تجربه نشان داده است که آن اندازه که مصاحبت نیکان و ارادت و محبت آنان در روح مؤثر افتاده است، خواندن صدها جلد کتاب اخلاقی مؤثر نبوده است»<sup>۲</sup>.

تقدّم رشته ی عشق و محبت بر دیگر راه های تهذیب، برگرفته از آموزه های دینی است؛ چه اینکه امام علی (علیه السلام) می فرماید: «الحُبُّ أَفْضَلُ مِنَ الْخَوْفِ؛ محبت [و عشق] برتر از ترس است»؛ بنابراین با توجه به تأثیر اعجاز برانگیز سلوک عاشقانه در امر تهذیب نفس، ترویج فرهنگ عشق ورزی مورد عنایت خاص استادان راه صلاح و پیران طریقت الهی بوده است.<sup>۳</sup>

۱- کلیات شمس تبریزی

۲- مطهری، مرتضی، جاذبه و دافعه ی امام علی (علیه السلام)، صص ۷۳ و ۷۲

۳- کریمیان صیقلانی، علی، سیره ی عشقبازان، ص ۱۸

در ضمن بر اساس حدیث شریف قدسی «كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًّا فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أَعْرَفَ»<sup>۱</sup>، نخستین جلوه ی حق بر آفرینش، عشق بود و به طفیل این عشق، هستی تحقق یافت و آدم و عالم و جن و ملک پا به عرصه ی وجود گذاشتند.

طفیل هستی عشقند آدمی و پری ارادتی بنما تا سعادت بیبری<sup>۲</sup>

آری، روح پس از نزول از عالم ملکوت به عالم ناسوت، اسیر آرایش عالم خاکی شد، و اکنون برای پیمودن مسیر کمال خویش باید به تزکیه پردازد و غبارهای وابستگی عالم ماده را از خود بزدايد، و در این میان تنها نیرویی که قادر است او را در این امر یاری رساند «عشق الهی» است، و این بالاترین درجه است؛ زیرا با وجود آن سایر کمالات نیز تحقق می یابند، و آدمی رنگ خدایی می گیرد و به گوهری گران بها تبدیل می شود.

گر نور عشق حق به دل و جان او افتد      بالله کز آفتاب فلک خوبتر شوی<sup>۳</sup>

در اینجا لازم است از مواردی که در ذیل می آید به اختصار سخن بگوییم:

الف) موضوع پژوهش:

ب) طرح پژوهش:

ج) روش و ابزار پژوهش:

د) سابقه و ضرورت پژوهش:

ه) انگیزه و هدف از این پژوهش و طرح سؤالات اصلی

## الف) موضوع پژوهش:

موضوع این تحقیق جایگاه «عشق و محبت الهی»، در اخلاق اسلامی با تأکید به آرای ابن سینا و احمد غزالی است.

## ب) طرح پژوهش:

همانگونه که از عنوان تحقیق بر می آید موضوع مورد بحث و فحص عشق و محبت الهی، در اخلاق اسلامی با تأکید به آرای دو انسان اندیشمند مسلمان و اثر گذار یعنی حکیم شیخ الرئیس ابو علی سینا از نوادر حکمت و فلسفه و جناب شیخ احمد غزالی از بزرگان سلسله ی تصوف و عرفان است. ابن سینا چهره ی سرشناس فلسفه ی مشاء به عنوان یک فیلسوف واقع گرا به شیوه ی برهان و استدلال عقلانی در جستجوی حقیقت گام بر می دارد و به همین خاطر از روش او به عنوان حکمت بحثی یاد می کنند که همه چیز را از دریچه ی تفکر منطقی و عقلانی مورد نقد و بررسی قرار می دهد. او در رساله ی موجز و پر فایده ی خود به نام رساله العشق به تبیین سریان نیروی عشق به

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۸۸، ب ۱۲، ح ۶، ص ۱۹۹

۲ و ۳، حافظ شیرازی

شیوه ی اصول و مبانی فلسفی پرداخته است. همچنین علاوه بر رساله ی فوق، جناب حکیم در کتاب گرانسنگ اشارات و تنبیهات مخصوصاً در نمط هشتم و نهم به موضوع عشق و کیفیت و حدود آن نیز قلم به نگارش زده است. و اما شیوه ی بحث در منهج عرفانی جناب شیخ احمد غزالی به طریقه ی ذوقی و اشراقی است که معرفت شهودی تعبیر دیگری از آن است. جناب شیخ احمد، در اولین کتاب مستقل عشقی خود به نام سوانح العشاق درباره ی موضوع عشق قلم فرسایی کرده است و همانگونه که از عنوان این اثر بر می آید سوانح، علم ذوقی است که از عالم ارواح بر قلب انسانی نازل می شود به شرط آنکه قلب از ظلمت گناه و رذایل اخلاقی پاک شود.

خلاصه آنکه این دو اندیشمند هر یک با توجه به نحله ی فکری خود از دو دریچه ی متفاوت به موضوع عشق و محبت نظر داشته اند؛ یکی با عقل و دیگری با قلب، یکی واقع بین و عینیت گرا و دیگری با نگاه اشراقی و معرفت شهودی و باطنی. در ضمن ناگفته نماند که عشق به معنای علاقه ی شدید قلبی و حدّ بالای محبت تعریف شده است و به تعبیر قدما خاصیت اکسیر و کیمیا دارد و محب را به سمت مشابَهت و مشاکلت با محبوب در می آورد. آیات متعددی در قرآن مجید بر این موضوع تأکید دارند و در وصف مؤمنان واقعی از دوستی و محبت عمیق آنان نسبت به حضرت حق یا نسبت به مؤمنان دیگر سخن به میان آمده است و آنچه که از روایات و احادیث معصومین (علیهم السلام) استنباط می شود، جوهر و اساس دین، غیر از محبت چیز دیگری نمی تواند باشد.

### ج) روش و ابزار پژوهش:

روشی که برای تدوین این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است روش علمی و تحلیلی است که با ابزار بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای و تهیه ی فیش از کتاب های موجود این کار به اتمام رسیده است.

### د) سابقه و ضرورت پژوهش:

بحث و فحص درباره ی عشق و محبت از جمله مسائلی است که قدمتی به اندازه ی دوره ی تفکر و تأمل بشر دارد و در هر دوره ای ذهن خیلی از اندیشمندان و فیلسوفان و عارفان را به خود مشغول کرده است ولی با توجه به تأثیر شگرف و خارق العاده ی آن هنوز حق آن ادا نشده است. برای درک اهمیت این مسأله و تأثیر آن در روح و روان انسان شایسته است که به تعدادی از این مقالات و رسالاتی که تحت عنوان عشق و محبت در طول سالیان دراز نوشته شده است توجه داشته باشیم. رساله العشق شیخ الرئیس (ابوعلی سینا)، سوانح العشاق شیخ احمد غزالی، عبهر العاشقین روزبهان شیرازی، رساله ی لوائح عین القضاة همدانی، محبت نامه و رساله ی دل و جان خواجه عبد الله انصاری، رساله ی عقل و عشق شیخ نجم الدین رازی، رساله العشق و عقل سرخ شیخ شهاب الدین سهروردی، ...

با همه ی این اوصاف، تحقیق در کارنامه ی پر مایه ی عشق و محبت و فواید این نیروی خارق العاده هنوز مغفول مانده و چندان کار در خور توجه به طرز فنی و روش مند (آکادمیک) صورت نگرفته است و لذا یکی از تنگناها و مشکلات تدوین چنین تحقیقی، کمبود منابع قابل رجوع در این زمینه بوده است.

در ضمن باید خاطر نشان کرد که کتابهایی که در بالا نام برده شد از لحاظ ادبیات نوشتاری و کهنه گی زبان به

قدری با ادبیات امروزی ما فاصله دارد که انسان میل به خواندن آن پیدا نمی کند، لذا پدید آوردن اثری متناسب با ادبیات امروز و با سبک و سیاق جدید بیشتر احساس می شود.

همچنین از آنجایی که دشمنان اسلام با غرض و شاید هم تا حدی دوستان مسلمان با نادانی و نا آگاهی خود، چهره ی اسلام را عبوس و خشک و دور از مهر و محبت نشان داده اند؛ طبیعی است که اذهان ملل مختلف آنچه از اسلام می دانند تصویری از خشونت و جنگ ها و خونریزی های صدر اول اسلام باشد.

بنابراین ضروری است که منزلت و جایگاه عشق و محبت در قرآن را مشخص و از نظر نقلی این مهم اثبات شود. همچنین با تحلیل و بررسی عمیق و جستار در آموزه های ناب دینی، محدوده ی این موضوع حساس و کلیدی را مشخص نمود تا آنکه موجب سوء برداشت برخی اندیشه های خام و پوک مدعیان دروغین آمیخته با شهوت نشود و این فرشته و نعمت آسمانی تا سر حد ابتذال، آلوده به اغراض نفسانی نگردد.

### ه) انگیزه و هدف از این پژوهش و طرح سؤالات اصلی:

یکی از شگفت انگیزترین حالات روحی و روانی بشر پدیده ی عشق است که خاصیت انقلاب و دگرگونی دارد و می تواند مس وجود انسان را تبدیل به طلا کند. عشق کلید تربیت و پرورش انسان است و بر تمام ابعاد وجود او اثر می گذارد و در مدتی بسیار کم، روح انسان را تصفیه و جلا می دهد و به دفع رذایل و جذب فضایل همت می گمارد.

همه ی خردمندان و صاحبان فضل و کمال بر این واقعیت اصرار دارند که نیرومندترین عاملی که می تواند زنجیرهای دلبستگی و تعلق خاطر را از دست و پای روح انسان باز کند، عشق است و بس. اما نکته این است که معشوق که باشد؟

اگر بخواهیم هر چه سریع تر به اهداف اخلاقی و کمال انسانی دست پیدا کنیم و ضعف های شخصیتی و مفاسد روحی خود را درمان نماییم، تنها راه آن ایجاد عشق به انسان های کامل و بالاتر از همه عشق به ذات حضرت باری تعالی است. چرا که میوه ی عشق، فرمانبرداری و تسلیم در برابر معشوق است و عاشق نیز به چیزی جز رضایت خاطر معشوق نمی اندیشد و از این لحاظ می تواند راهگشا در مسیر عبودیت و بندگی هر چه بهتر انسان نسبت به ساحت مقدس حضرت حق باشد. لذا مجموع عوامل فوق الذکر، مبداء انگیزه و هدف نگارنده، در گزینش این موضوع برای تحقیق و پژوهش شد که امیدوارم که مورد پسند خاطر ارباب فضل و دانش قرار گیرد. ان شاء الله.

و اما سؤالات اصلی تحقیق که عبارتند از:

- ۱- نحوه ی طرح عشق و محبت در قرآن کریم چگونه بیان شده است؟
- ۴- از منظر اخلاق اسلامی، عشق و محبت چه تأثیری در پیشبرد تکامل انسان دارد؟
- ۵- نحوه ی اندیشه ی فیلسوفان به طور اعم و جناب ابن سینای حکیم به طور اخص به موضوع عشق چیست؟
- ۶- عشق از نگاه عرفان و تصوف و مخصوصاً در آثار شیخ احمد غزالی چگونه ترسیم شده است؟
- ۷- وجه تمایز عشق مجازی و حقیقی در چیست؟

فصل اوّل:

ماهیت عشق و محبت

## ۱-۱ تعریف عشق از منظر لغوی

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر

یادگاری که در این گنبد دوآر بماند<sup>۱</sup>

قبل از هر چیز درباره ی موضوع «عشق» لازم است که معنای لغوی آن را در فرهنگ نامه های لغت و آثار اهل ادب و شعر جستجو نمود. در فرهنگ فارسی معین آمده است که: «عشق گیاهی بالارونده است از تیره ی عَشَقَه ها»<sup>۲</sup> در فرهنگ علوم عقلی نیز چنین تعریف شده است که: «عشق به معنای فرط حب و دوستی، مشتق از عَشَقَه است و آن گیاهی است که هر گاه به دور درخت پیچد، آب آن را بخورد و رنگ آن را زرد کند و برگ آن را بریزد و بعد از مدتی خود درخت نیز خشک شود و بالجمله عشق، تعلق قلب و حب زیاد است»<sup>۳</sup>

در کتاب کَشَاف اصطلاحات الفنون هم درج شده است که: «عشق مأخوذ از عَشَقَه است و آن گیاهی است که بر تنه ی هر درختی که پیچد، آن را خشک سازد و خود به طراوت خویش باقی بماند. پس هر عشقی بر هر تنی که برآید، جز محبوب را خشک کند و محو گرداند و آن تن را ضعیف سازد و روح و دل را منور گرداند»<sup>۴</sup>.

در جلد دوم سفینه البحار نیز درباره ی عشق چنین نگاشته اند که:

«العشق هو الافراط المحبب و ربما يتوهم انه مخصوص بمحبة الامور الباطله فلا يستعمل في حبه سبحانه و ما يتعلق به» ترجمه: عشق عبارت است از افراط در محبت و چه بسا چنین تصور می شود که این مخصوص به محبت امور باطله است و این کلمه و مشتقات آن را در حق سبحانه و تعالی به کار نمی برند.<sup>۵</sup> به نقل از برهان قاطع: «عَشَقَه نوعی از لبلاب به زبان عربی است که فارسی زبانان به آن «عشق پیچان» می گویند».

و در فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی نیز به کلمه ی عشق اشاره شده است و آن را به «میل مفرط و

شوق شدید به چیزی»<sup>۶</sup> تعریف کرده اند. بنابراین با توجه و دقت نظر در فرهنگ نامه ها و لغت نامه ها می توان

اینچنین استنباط نمود که عشق یعنی: محبت شدید به هر چیزی.

۱- دیوان حافظ

۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی معین (متوسط)، ج ۲، ص ۲۳۰۴

۳- سجادی، سید جعفر، فرهنگ علوم عقلی، ص ۳۵۷

۴- التهانوی، محمد اعلی بن علی، کَشَاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۰۱۲، به نقل از مبانی فلسفی عشق

۵- قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، جلد دوم، ص ۱۹۸ - ۱۹۷

۶- خلف تبریزی، محمد حسین، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین، ج ۳، ص ۱۳۷۵

۷- سجادی، سید جعفر، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، ص ۵۸۰



## ۲-۱ تعریف «عشق» از منظر بزرگان حکمت و فلسفه و عرفان

قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز

ورای حدّ تقریرست شرح آرزومندی<sup>۱</sup>

بنا به گفته ی بزرگان معرفت و اهل معنا، «عشق» تعریف ناپذیر و غیر قابل شناسایی است و هر آن چه که درباره ی عشق گفته اند در حقیقت به آثار و ظهورات آن اشاره شده است، نه خود عشق. به عبارتی، عشق یک پدیده ی ساده ای نیست که قابل تعریف در یک چارچوب خاص باشد و به قول معروف از مقوله ی «یُدْرِكُ و لا یوصف» است که تنها به مدد نیروی خود عشق است که می توان آن را شناسایی نمود. اما در عین حال بعضی از حکیمان و عارفان کوی حق به هنگام سرمستی از باده ی عشق، سخنانی را به زبان آورده اند که ما را در فهم هر چه بیشتر «عشق» یاری می رسانند. لذا ما در اینجا تعابیر تعدادی از این بزرگان را درباره ی موضوع «عشق» یادآور می شویم.

افلاطون حکیم، عشق را «جنون الهی دانسته که نفوس قدسی و ارواح عالی به این جنون مبتلا می شوند<sup>۲</sup>». در جای دیگر به نقل از سقراط می نویسد: «عشق است که در مردمان، حافظ شرافت است. عاشق چون از شرمساری نزد معشوق بیم دارد به جُبْن و فرومایگی تن در نمی دهد. اگر سپاهی از عاشق و معشوق مرکب باشد آن سپاه شکست ناپذیر است، چرا که عاشق مرگ را بر جُبْن و فرار ترجیح می دهد و از برکت «عشق» است که روبهان شیر می شوند<sup>۳</sup>». «لویی ماسینیون» می گوید: نخستین عارفان، واژه ی عشق را به کار نمی بردند؛ شاید از عشق زمینی و جسمانی هراس داشتند و از این رو، بیشتر از محبت یاد می کردند<sup>۴</sup>.

ابو سعید ابوالخیر، از عرفای بنام قرن چهارم و پنجم هجری قمری، تعبیر بسیار جالبی از عشق دارند که بیان آن خالی از فایده نیست. او در این باره می نویسد که: «عشق الهی دام حق است، العشقُ شبکه الحَق»<sup>۵</sup>.

خواجه عبد الله انصاری، معروف به پیر هرات هم در محبت نامه ی خود چنین می نویسد: «اگر بسته ی عشقی خلاصی مجوی و اگر کشته ی عشقی قصاص مجوی که عشق آتش سوزان است و بحری بی کران، هم جان است و هم جان را جانان. و قصه ی بی پایان است و درد بی درمان است و عقل را در ادراک او حیران است و دل از دریافت او ناتوان<sup>۶</sup>». و به قول حافظ:

بحریست بحر عشق که هیچش کناره نیست      آنجا جز اینکه جان بسپارند چاره نیست

شیخ ابوالحسن خرقانی، از عرفای اهل معنا هم در باب عشق سخنانی شنیدنی دارد که عبارت است از: «عشق

۱- دیوان حافظ.

۲- الهی قمشه ای، مهدی، حکمت الهی، عام و خاص، ج ۱، ص ۱۴۰ - ۱۳۹.

۳- افلاطون، رساله ی مهمانی، ص ۲۶۱ - ۲۶۰.

۴- احمدی، بابک، چهار گزارش از تذکرة الاولیاء عطار، ص ۴۶.

۵- ابوالخیر، ابوسعید، اسرار التوحید، ص ۳۷.

۶- انصاری، خواجه عبدالله، مجموعه ی رسائل فارسی، ص ۳۵۶.

بهره ای است از آن دریا که خلق را در آن گذر نیست، آتشی است که جان را در او گذر نیست، آورد و بُردی است که بنده را خبر نیست در آن. .... و هر که عاشق شد خدای را یافت و هر که خدای را یافت خود را فراموش کرد<sup>۱</sup>.  
امام احمد غزالی نیز می نویسد: «جلالت عشق از حدّ و وصف و بیان و ادراک و علم به دور است».

عشق پوشیدست و هرگز کس ندیدستش عیان

لافهای بیهده تا کی زنند این عاشقان

هر کس از پندار خود از عشق لافی می زند

عشق از پندار خالی وز چنین و وز چنان<sup>۲</sup>

همچنین در جای دیگر، هستی انسان را متکی به عشق می داند و در این باره می فرماید که:

با عشق روان شد از عدم مرکب ما روشن ز چراغ وصل دایم شب ما

زان می که حرام نیست در مذهب ما تا باز عدم خشک نیابی لب ما<sup>۳</sup>

به عبارتی، عشق الهی پدیده ای ذوقی و چشیدنی است که قابل انتقال به کمک واژه ها نیست، شعله ای است که در درون انسان لحظه به لحظه در حال زبانه کشیدن است.<sup>۴</sup>

بوعلی سینا در کتاب قانون خود، عشق را چنین تعریف کرده است:

«العشق مرض وسواسی شبیه بمالِخولیا یكون الانسان قد جلبه إلى نفسه، تسلط فكرته على استحسان بعض الصور و الشمائل»

ترجمه: عشق نوعی بیماری مشابه مالِخولیاست که انسان خودش را بدان مبتلا می سازد، بدین طریق که نیکویی و شایستگی برخی صورت ها و یا سیرت ها، بر اندیشه و فکر مسلط و غالب می شود.

ناگفته نماند که تعریف مزبور نظر طبّی شیخ الرئیس است، و گرنه از نظر فلسفی رأی او این است که عشق

حقیقی ساری و جاری در تمام کائنات است و هیچ ذره ای نیست که از این موهبت بی بهره باشد.<sup>۵</sup>

جناب خواجه نصیر الدین طوسی، در شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا به موضوع «عشق» اشاره می نماید و

می گوید: «و الحب إذا أفرط سمّی عشقاً»

ترجمه: محبتی که از اندازه در گذرد و از حدّ خود فزون شود، عشق نامیده می شود<sup>۶</sup>.

سهروردی در مونس العشاق خود می نویسد:

«محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند و گویند که: «العشق محبة مُفرطه» و عشق،

۱- خرقانی، شیخ ابوالحسن، احوال و اقوال، ص ۹۰

۲- غزالی، امام احمد، سوانح العشاق، به نقل از شاملو، اختر، باغ سبز عشق، ص ۱۰۴

۳- همان، تصحیح هلموت ریتز، ص ۴

۴- نسفی، عزیز الدین، انسان الكامل، تصحیح ماژیران موله، ص ۱۱۵

۵- خلیلی، محمد حسین، مبانی فلسفی عشق، ص ۲۹

۶- ابن سینا، الاشارات و التنبیهات، مع الشرح للمحقق الطوسی، ج ۳، ص ۳۶۰، به نقل از عشق در ادیان

خاص تر از محبت است؛ زیرا که همه ی عشق، محبت باشد؛ اما همه ی محبت، عشق نباشد و محبت خاص تر از معرفت است، زیرا که همه ی محبتی معرفت باشد اما همه ی معرفتی محبت نباشد.<sup>۱</sup>

فخر الدین عراقی هم در لمعات خود، با بیان سوزناک خود از مراتب عشق چنین می نگارد که:  
«رتبت عشق برتر از آن است که به قوت عقل و فهم و بیان، گرد سراپرده ی اجلال او توان گشت، یا به دیده ی کشف و عیان به جمال حقیقت او نظر کرد<sup>۲</sup>».

قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق      چو شبنمی است که بر بحر می کشد رقمی<sup>۳</sup>  
از دیدگاه محی الدین ابن عربی، این عارف حکیم، رمز خلقت عالم و آدم در عشق نهفته است و اساس آفرینش را با حرکت حُبّی و با انگیزش عشقی تبیین می نماید و در این باره می گوید:  
« وجود عالم، از حرکت حُب (عشق) است که اگر این محبت نبود، عالم به عین وجود در نمی آمد<sup>۴</sup>.  
اومقام و منزلت عشق را برابر با اصل وجود می داند و چنین می نویسد که: محبت مقامش بس شریف است و آن اصل و اساس وجود است.

و عَنِ الْحُبِّ صَدَّ رُؤْنَا      و عَلَي الْحُبِّ جُبِلْنَا  
فَلَذَا جِنَانَهُ قَصْدًا      وَ لِهَذَا قَد قَبِلْنَا

ترجمه ی: ۱- ما از محبت به وجود آمده ایم. و گل ما با محبت سرشته شده است.

۲- به همین سبب به سوی مبدأ و منشأ محبت روان گشته ایم، و طبعاً در پیشگاه خدای تعالی مورد قبول واقع خواهیم شد.<sup>۵</sup> همین عارف بزرگ در جای دیگر در باب تعریف ناپذیری عشق چنین می گوید: «هر کس که عشق را تعریف کند آن را نشناخته و کسی که از جام آن جرعه ای نچشیده باشد، آن را نشناخته و کسی که گوید من از آن جان سیراب شدم، آن را نشناخته که عشق شرابی است که کسی را سیراب نکند».

مولوی هم در مثنوی شریف خود، آدمی را در توصیف و تعریف عشق عاجز و ناتوان می بیند.

هر چه گویم عشق را شرح و بیان      چون به عشق آیم خجل باشم از آن  
گر چه تفسیر زبان روشنگر است      لیک عشق بی زبان روشنتر است  
در نیابد عشق در گفت و شنید      عشق در یائیسست قعرش ناپدید

از منظر شیخ نجم الدین رازی، عارف بزرگ قرن هفتم، خمیرمایه ی هستی و آفرینش انسان از شبنم عشق سرشته شده است و به خاطر داشتن همین آتش سوزان عشق است که انسان عارف در تکاپوی رسیدن به معشوق ازلی است.

۱- سهروردی، مونس العشاق، شرح دکتر اسماعیل منصورى لاریجانی، ص ۵۳

۲- دیوان عراقی، لمعات، ص ۳۸۳

۳- دیوان حافظ

۴- عقیفی، ابوالعلاء، فصوص الحکم و التعليقات علیه، ص ۲۰۳

۵- ابن عربی، محی الدین، عشق و عرفان، تحقیق و تألیف محمود الغراب، ترجمه ی دکتر محمد رادمنش، ص ۳۰

۶- یثربی، یحیی، سیر تکامل و اصول مسایل عرفان و تصوف، ص ۱۴۹

تا ظن نبری که ما ز آدم بودیم  
 کان دم که نبود آدم آن دم بودیم  
 بی زحمت عین و شین و قاف و گل و دل  
 معشوقه و ما و عشق همدم بودیم<sup>۱</sup>  
 عزیز الدین نسفی هم که از عرفای اهل معنا در قرن ششم است معتقد است که در پرتو عنایت عشق الهی سیر و سلوک عارف به عالی ترین درجه از کمال خود می رسد و در این باره می گوید:  
 «بدان که ذاکران چهار مرتبه اند: بعضی در مرتبه ی میلند و برخی در مرتبه ی ارادتند، و عدّه ای در مرتبه ی محبتند و بعضی در مرتبه ی عشقند. و تا ذاکر به مرتبه ی چهارم (عشق) نرسد، روح او را عروج میسر نگردد. عشق بُراق سالکان و مرکب روندگان است. هر چه عقل به پنجاه سال اندوخته باشد عشق در یک دم آن جمله را بسوزاند، و عاشق را پاک و صافی گرداند. سالک به صد چله آن مقدار سیر نتواند کرد که عاشق در یک طُرْفَة العینی کند»<sup>۲</sup>  
 عطار نیشابوری، این عارف صاحب‌دل نیز به موضوع عشق نظر دارد و آن را خارج از حدّ تعاریف معمول می داند. به عبارت دیگر او نیز همچون هم مشربان عرفانی خود موضوع عشق را فراتر از محدوده ی زبان واژه ها می شناسد و چنین می سراید که:

سخن عشق جز اشارت نیست  
 عشق در بند استعارت نیست  
 دل شناسد که چیست جوهر عشق  
 عقل را زهره ی بصارت نیست  
 در عبارت همی نگنجد عشق  
 عشق از عالم عبارت نیست

امام محمد غزالی نیز در تعریف «عشق» گفته اند:

«دوستی میل طبع است به چیزی که خوش بود و اگر آن میل قوی بود آن را عشق گویند»<sup>۳</sup>.  
 صدر المتألهین معروف به ملّا صدرا، فیلسوف و عارف بزرگ قرن یازدهم نیز معتقد است که:  
 «خداوند برای هر یک از موجودات عقلی، نفسی، حسی، و طبیعی، کمالی را در نظر داشته و در ذاتش عشق و شوقی برای رسیدن به آن کمال قرار داده است. او ثابت می کند که هیچ موجودی از محبت و عشق الهی بی نصیب نیست و اگر جهان از این محبت و عشق الهی لحظه ای خالی بماند نیست و نابود می شود. پس هر موجودی عاشق وجود است و طالب کمال و گریزان از عدم و نقص»<sup>۴</sup>. یعنی به عبارتی همه ی هستی «رهروان منزل عشقند»<sup>۵</sup>

در ضمن از منظر ملّا صدرا، عشق به سه دسته عشق اصغر، عشق اوسط، و عشق اکبر تقسیم بندی می شود. او در این باره می نویسد:

عشق بزرگ تر، همان عشق الهی است و مخصوص موخّدان کامل، یعنی آنهایی که فنای کلی

۱- رازی، نجم الدّین، رساله ی عشق و عقل، تصحیح دکتر تقی تفضلی، ص ۶۷

۲- نسفی، عزیزالدّین، الانسان الكامل، ص ۱۱۲

۳- غزالی، امام محمد، کیمیای سعادت، ج دوم، ص ۵۷۲

۴- ملّا صدرا، اسفار، ج ۷، صص ۱۴۸ و ۱۶۰، به نقل از عشق بدون مرز، ص ۱۲۱

۵- دیوان حافظ: